

نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

ادب و زبان فارسی

دوره جدید، شماره ۲۶ (پیاپی ۲۳) زمستان ۸۸

بررسی تحول معنایی برخی مدخلهای واژگانی زبان فارسی

بر اساس چند فرهنگ فارسی* (علمی - پژوهشی)

دکتر افسانه افتخارزاده

استادیار دانشگاه آزاد سبزوار

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی تحول معنایی برخی مدخلهای واژگانی زبان فارسی (سه حرف «ب»، «ث» و «خ») بر اساس چند فرهنگ فارسی و در پاسخ به این سؤال، که «مدخلهای واژگانی فرهنگهای مورد بررسی در یک دوره حدوداً ۴۰ ساله چه تغییرات معنایی را از سر گذرانده اند» در یک بررسی در زمانی و به شیوه توصیفی - تطبیقی نگاشته شده است. تمام مدخلهای این حروف در سه فرهنگ فارسی معین، سخن و صدری با یکدیگر مقایسه و بر اساس تغییرات معنایی به وجود آمده در شش مقوله آرمانی، نه مقوله بینابینی و بر اساس سه معیار «گرایش زبانی و سطح کلام»، «حوزه کاربرد» و «ریشه شناسی» دسته بندی شده است. پیکره بدست آمده با تعداد ۱۳۳۲۱ مدخل در یک پایگاه داده های پویا ثبت شد که بر اساس آن تعداد هفت نمودار و چهار جدول در این مقاله ارائه شده است. بر اساس آمارها برخی نتایج به شرح زیر است: ۴۰/۲۲٪ از واژه های این سه مدخل تمایل به حذف یا منسوخ شدن یافته است. واژه های جدید ۸/۷۱٪ از واژه ها را تشکیل داده و ۴۲/۰۷٪ از واژه های این سه مدخل بدون تغییر معنایی باقی مانده است.

کلیدواژه ها: تغییرات معنایی، معناشناسی تاریخی، زبانشناسی تاریخی، پایگاه داده ها، فرهنگ نگاری.

* تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۸۷/۳/۱۲

* تاریخ ارسال مقاله: ۸۵/۲/۱۳

آدرس پست الکترونیک نویسنده: Afsaneeduir@yahoo.com

مقدمه

«دگرگونیهای معنایی، بیش از هر یک از جنبه های دگرگونی زبان با زندگی و فرهنگ هر جامعه زبانی پیوند دارد. این گونه تغییرات از قید ساختارهایی که خاص نظام زبان است، آزاداست؛ اما به هیچ وجه از توجهات زبانی به طور کامل بی نیاز نیست» (آرلانو، ۱۳۷۳: ۲۲۳). دگرگونیهای معنایی بیش از همه بر واژگان یعنی تغییرپذیرترین بخش زبان تأثیر می گذارد. عوامل درون زبانی همچون تخصیص، ترفیع، تنزل یا بسط معنایی و عوامل برون زبانی همچون قرض گیری، دشواژگی / واژه های تابو، سره گرایی و تحولات اجتماعی - سیاسی عظیم همچون انقلاب، جنگ و یا تقسیم یک کشور از عوامل عمده تغییرات معنایی واژگان است. تاکنون پژوهشهای عمده فراوانی در زمینه مطالعه همزمانی تغییرات زبانی صورت گرفته اما در زمینه مطالعات در زمانی تغییرات زبانی، هنوز مواردی را می توان یافت که بررسی بیشتر درباره آنها ضروری به نظر می رسد. یکی از این موارد، بررسی تحول معنایی مدخلهای واژگانی زبان فارسی بر اساس یک مقایسه بین فرهنگنامه ای است. این مقاله به بررسی تحول معنایی مدخلهای سه حرف «ب»، «ث» و «خ» می پردازد.

مروری بر پیشینه مطالعات

پژوهش درباره «معنا» بویژه از جنبه در زمانی آن و در سطح واژگان در میان زبانشناسان ایرانی تا حدی تازگی دارد. شاید بتوان مدعی شد جدا از چند مقاله، یکی دو کتاب و چند پایان نامه، تحقیق و بررسی چندانی در این زمینه انجام نگرفته است. این بررسیها نیز بیشتر به جنبه نظری تغییرات معنایی پرداخته و به ارائه الگوهایی از تغییرات حوزه زبانی محدود شده است. تمام این منابع در ارائه شواهد به ذکر چند شاهد مرتبط با بحث نظری خود اکتفا کرده و هیچ یک، پیکره زبانی گسترده و متنوعی را در دو مقطع زمانی و به شکل گسترده و عمیق مورد مذاقه قرار نداده اند.

صفوی (۱۳۷۹: ۶-۱۹۱) به طور اجمالی مسئله مطالعه در زمانی حوزه های معنایی را مطرح می کند. شش نمودار از تغییرات در زمانی حوزه های معنایی ارائه می دهد و در ارائه شواهد تنها به ذکر ۱۶ واژه همچون «لیبرال، سید، سرود، عدلیه ...» که تغییر حوزه معنایی داده اند،

بسنده می‌کند. وی در مقاله‌ای (۱۳۸۳) تحت عنوان «نگاهی به نظریه حوزه‌های معنایی از منظر نظام واژگانی زبان فارسی» از دو دیدگاه در زمانی و همزمانی به بررسی حوزه‌های معنایی و کارایی آنها در قالب واژگان زبان فارسی می‌پردازد. در بخش در زمانی این تقسیم‌بندیها را ارائه می‌کند: ۱) عدم تغییر در حوزه معنایی ۲) تغییر در حوزه معنایی شامل الف) تغییرات واژگانی همچون جایگزینی، افزایش معنایی و کاهش معنایی و ب) تغییرات مفهومی شامل توسیع، تخصیص، ترفیع و تنزل معنایی و در هر مورد به ارائه یک یا چند شاهد اکتفا می‌کند. کشاورز (۱۳۷۱) در مقاله‌ای تحت عنوان «رابطه متقابل زبان و جامعه» تنها به بررسی نقش اجتماعی ضمائر شخصی و صورتهای خطاب می‌پردازد. نیز کشاورز (۱۳۷۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «تغییرات اجتماعی - سیاسی یکی از عوامل تغییر زبانی» به بررسی رابطه میان تحولات سیاسی - اجتماعی جامعه ایران (انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ به طور اخص) و تغییرات زبانی ایجاد شده بر اثر آن در حوزه ضمائر و صورتهای خطاب می‌پردازد و تأثیر ارتقادهنده انقلاب در تغییر معنایی ایجاد شده در دو واژه «خواهر، برادر» را بررسی می‌کند. محمودزاده (۱۳۸۳) در مقاله‌ای تحت عنوان «تغییرات اجتماعی و تأثیر آنها بر زبان و ترجمه» به رابطه میان تغییرات اجتماعی و تأثیر آن بر زبان و ترجمه می‌پردازد و عقیده دارد «در جریان یک انقلاب و تغییر ناگهانی در یک جامعه، گروهی از واژگان بسامد خود را از دست می‌دهند (اعلیحضرت، شاهزاده)، گروهی جدید باب می‌شوند (برادر، خواهر، امت مسلمان، امت انقلابی، رهبر انقلابی، ضدانقلاب، شیطان بزرگ)، گروهی معنایی عکس معنای قبلی خود می‌یابند (لیبرال، روشنفکر، سلطنت طلب، قشر تحصیل کرده) و برخی افزایش معنا می‌یابند (شهید کردن). گذشته از اینکه بتوان برخی از این شواهد ارائه شده را مدخل واژگانی (واژه) به شمار آورد، این مقاله بیشتر به بحث درباره تأثیر تغییرات اجتماعی بر ترجمه و آموزش زبان می‌پردازد. بختیاری (۱۳۸۳) در مقاله‌ای تحت عنوان «درامدی بر زبانشناسی تاریخی» به مطالعه در زمانی حوزه‌های معنایی پرداخته و برخی انگیزشهای تغییرات معنایی را رده‌بندی کرده است؛ اما تأکید اصلی مقاله بر علل تغییرات معنایی، و شواهد ارائه شده بیشتر در راستای تبیین ملاحظات نظری مطرح شده است. افشار و ثوقی و عبداللهی (نشر داخلی فرهنگستان، بی تا) گزیده‌ای ۸۶۱ واژه‌ای از واژه‌های فراموش شده لغت نامه دهخدا ارائه می‌کنند. پژوهشگران در مقدمه اظهار

کرده اند که این گزیده برگرفته از حدود ۵۰۰۰ واژه نادر از لغت‌نامه دهخداست که اصل آن، طبقه‌بندی موضوعی شده و در اختیار گروه واژه‌گزینی فرهنگستان قرار گرفته است. این تحقیق، حوزه واژگان منسوخ یا قدیمی را در فرهنگ معین پوشش نداده است. دو کوهکی (۱۳۷۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «واژگان بیگانه در متون مطبوعاتی» به بحث در مورد این واژگان می‌پردازد. وی تعداد ۳۰۲۴ واژه فرضی عمدتاً انگلیسی متعلق به شش مقوله «اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فنی، تخصصی، فرهنگی، هنری، نظامی، پزشکی، ورزش» برگرفته از ده شماره یکی از روزنامه‌های پرتیراژ کشور (نام روزنامه ذکر نشده) را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که بر خلاف مطالعات انجام شده که تأکید بر معادل‌یابی برای لغات فنی، تخصصی دارد، ورود واژه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی (۴۲٪) بیش از واژه‌های فنی، تخصصی (۳۴٪) بوده است و واژه‌های فرضی متعلق به حوزه علوم انسانی در رده سوم قرار دارد. ذوالنور (۱۳۷۳)، پایان‌نامه) به تأثیر تحولات اجتماعی ناشی از انقلاب اسلامی بر دگرگونی حوزه‌های معنایی می‌پردازد. پس از طرح مباحث نظری، تغییرات معنایی ۳۰ واژه (امام، شهید، برادر، خواهر، پاسدار، روپوش، مانتو، چادر، راهپیمایی، مدرس، سردرد، جهاد، جهاد سازندگی، جهادگر، مجاهد، منافق، سلطنت‌طلب، سپاه، کمیته، بسیج، بسیجی، مستضعف، مستکبر، کافر، گروهک، آزاده، جانباز، امت، طاغوت، طاغوتی) را با توجه به نظریه «حوزه‌های معنایی» و بر اساس شیوه «تحلیل مؤلفه‌ای» مورد بررسی قرار می‌دهد. وی در بخش نتیجه‌گیری اذعان می‌دارد «این بررسی تنها منعکس‌کننده بخش کوچکی از تحولاتی است که در دو دهه اخیر دامنگیر زبان فارسی شده است» (ذوالنور، ۱۳۷۳: ۱۱۵). اسلامی (۱۳۷۵)، پایان‌نامه) به بررسی تغییرات نحوی و واژگانی فارسی معاصر از مشروطیت تا انقلاب اسلامی می‌پردازد ولی تغییرات واژگانی را تا انقلاب اسلامی بیشتر دنبال نمی‌کند. کدخداییان (۱۳۷۶)، پایان‌نامه) به بررسی تأثیر انقلاب مشروطه بر زبان فارسی می‌پردازد. وی با بررسی تعدادی از متون نثر قرن سیزده و چهارده هجری قمری، برخی تغییرات نحوی، صوری و معنایی برخی عبارات فعلی، افعال مرکب و پیشوندی را مورد مذاقه قرار می‌دهد (برای مثال ۱۵ مدخل «ب»، یک مدخل «ث» و ۵ مدخل «خ»). جم (۱۳۷۹)، پایان‌نامه) به بررسی عوامل مهجورشدگی واژگان در مطبوعات فارسی زبان می‌پردازد. پس از بررسی مشروح عوامل درون‌زبانی و

برون زبانی مهجورشدگی واژگان، تعداد ۱۲۹ اسم، ۴۲ صفت، پنج قید و چهار فعل مهجور شده مطبوعات بین سالهای ۷۸-۳۸ را مورد تحلیل قرار می‌دهد. شرفی (۱۳۷۹، پایان نامه) به مسئله جایگاه برخی معادل‌های پیشنهادی فرهنگستان سوم در میان مردم می‌پردازد. وی از طریق یک جامعه آماری ۱۵۰ نفره در سه گروه تحصیلی و دو جنس زن و مرد با میانگین سنی ۳۵-۲۰ سال، میزان پذیرش یا عدم پذیرش ۲۰ واژه از واژه‌های مصوب فرهنگستان را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد. معتمد علیخانی (۱۳۷۹، پایان نامه) به بررسی تأثیر هشت ساله جنگ تحمیلی بر واژگان زبان فارسی و به وجود آمدن اصطلاحات و تعییرات جدید در دوره هشت‌ساله دفاع مقدس (۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷) در مناطق جنگی و خطوط دفاعی می‌پردازد و چنین نتیجه می‌گیرد که واژه‌های مربوط به جنگ همچون دیگر واژه‌ها روند گسترش، انتقال معنی و الگوهای ساخت سازه‌ای را دنبال می‌کنند ولی سرعت این روند در واژه‌های جنگ بیشتر است.

شیوه پژوهش

۱. **شیوه انتخاب فرهنگها:** در راستای بررسی تحول معنایی واژگان بر اساس فرهنگهای فارسی، سه فرهنگ فارسی «معین»، «سخن» و «صدری» مبنای تحقیق قرار گرفت. «معین» به عنوان فرهنگی عمومی که پیش از انقلاب تألیف شده (چاپ اول: ۱۳۴۵)، «صدری» به عنوان فرهنگ فارسی معاصر (ویرایش ۲: ۱۳۸۲) و «سخن» به عنوان فرهنگی که به دلیل گستردگی تعاریف و ارائه شواهد فراوان (از کهن تا امروز) چگونگی تغییرات معنایی واژگان در فاصله میان دو فرهنگ معین و صدری را بخوبی نشان می‌دهد. به دلیل بررسی دقیقتر از «لغت نامه دهخدا» (چاپ اول: ۱۳۳۴)، «فرهنگ فارسی به انگلیسی حمیم» (۱۳۵۴)، «واژه‌های برابر فرهنگستان ایران» (چاپ اول: ۱۳۱۹)، «فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان (۱۳۷۶ تا ۱۳۸۲)»، «واژه‌های گمشده فرهنگستان» (روستایی، ۱۳۷۸)، «فرهنگ واژه‌های انقلاب اسلامی» (۱۳۷۴)، و «فرهنگ لغات زبان مخفی» (۱۳۸۲) نیز کمک گرفته شد.

۲. **شیوه انتخاب حروف:** در این پژوهش از میان الفبای فارسی، مدخلهای واژگانی سه حرف «ب»، «ث» و «خ» مورد بررسی قرار گرفته است. حرف «ب» با تعداد ۱۳۶۰۶ مدخل (۳۰۵۷ معین، ۷۱۵۹ سخن، ۳۳۹۰ صدری) نماینده حروفی است که دارای مدخلهای

واژگانی پربسامد است. حرف «ث» با تعداد ۴۵۶ مدخل (۱۹۴ معین، ۱۹۴ سخن، ۶۸ صدری) نماینده حروفی است که دارای مدخلهای واژگانی کم، و حرف «خ» با تعداد ۸۲۲۳ مدخل (۱۸۱۱ معین، ۴۵۹۵ سخن، ۱۸۱۷ صدری) نماینده حروفی است با بسامد واژگانی نسبتاً متوسط.

۳. شیوه انتخاب سرمدخها و زیرمدخها: معیار گزینش واژه‌ها (سرمدخها/ سرواژه‌ها) و ترکیبات (زیرمدخها) در هر یک از این سه فرهنگ با توجه به اهداف و شیوه‌های هر یک، متفاوت بوده است؛ اما از آنجا که هدف این پژوهش بررسی تحول معنایی «در سطح واژگانی» بوده است به منظور جلوگیری از هر گونه اعمال سلیقه و ایجاد تشتت در روند تحقیق، تمام ترکیبات اعم از ترکیب عطفی، وصفی یا اضافی چنانچه در یکی از این سه فرهنگ، سرمدخل محسوب شده باشد، مبنای بررسی قرار گرفته است اما ترکیبات عطفی یا اضافی که زیرمدخل بوده از حوزه عملکرد تحقیق خارج شده و مورد بررسی قرار نگرفته است.

۴. شیوه بررسی مدخها و چگونگی دسته‌بندی آنها: در یک بررسی در زمانی و به شیوه تطبیقی تمام مدخلهای واژگانی این سه حرف به لحاظ نظری در شش مقوله کلی (نمونه آرمانی / prototype) دسته‌بندی شد که عبارت است از: **۱. حذف واژه:** «هرگاه یک عنصر فرهنگی دیگر در یک جامعه زبانی مورد استفاده قرار نگیرد، واژه مربوط به آن نیز از کاربرد روزمره خارج می‌گردد» (آرلاتو، ۱۳۷۳: ۲۲۸)؛ همچون «باج‌خانه، بلبله، ثالسقیس، خشخانه» **۲. ظهور واژه جدید:** «هرگاه مدلولی تازه وارد یک فرهنگ شود با یک دال زبانی جدید همراه خواهد بود» (آرلاتو، ۱۳۷۳: ۲۲۶). این روند با تحولات عظیم سیاسی، اجتماعی، علمی و ... تسریع می‌شود؛ همچون «بزرگراه، بریک‌دنس، بیابان‌زدایی، خنده‌درمانی» **۳. افزایش معنا:** «گروهی از واژه‌ها با حفظ معنا و حوزه کاربردی اولیه خود، وارد زمینه‌های کاربردی دیگر شده، افزایش معنا می‌یابند» (محمودزاده، ۱۳۸۳: ۸)؛ همچون «بادبزن: (ا) پروانه، باحجاب: (ا) دارای پوشش اسلامی مانند چادر و روسری» **۴. کاهش معنا:** «گروهی از واژه‌ها برخی معانی اولیه خود را از دست می‌دهند و حوزه کاربرد محدودتری می‌یابند» (صفوی، ۱۳۷۹: ۱۹۵)؛ همچون «بتخانه: (ک) حرمسرا، بی سکه: (ک) زر و سیمی که بر آن نقش، حکک نکرده باشند».

۵. **تغییرات معنایی چندگانه: الف)** یک مدخل واژگانی واحد، یک یا چند معنای اولیه خود را از دست داده ولی یک یا چند معنای جدید نیز به دست آورده است؛ همچون «خویشکار: (ا) آماتور، (ک) ۱. دهقان ۲. پارسا» **ب)** یک مدخل واژگانی واحد تغییر مدلول داده است؛ همچون «خوش خیم: (د، م): نیک سرشت، (س، ص): (پزشکی) ویژگی غده یا توموری که به بافتهای اطراف پخش نمی شود و معمولاً با دارو، جراحی، تابش اشعه و مانند آنها درمان می شود.» **پ)** یک مدخل واژگانی واحد تغییر حوزه کاربرد داده است؛ همچون «خمر: (د، م، س): عمومی، (ص): فقه» ۶. **بدون تغییر معنایی:** «این امکان وجود دارد که با مقایسه دو مقطع زمانی مشاهده شود که تغییری در معنای واژه پدید نیامده است» (صفوی، ۱۳۸۳: ۴)؛ همچون «باتلاق، بادمجان، ثابت، خارش».

۵. **اطلاعات درج شده در پایگاه داده‌ها:** برای هر مدخل واژگانی علاوه بر این دسته‌بندی ششگانه، همگی یا تعدادی از اطلاعات معنادار زیر در پایگاه داده‌ها لحاظ شد:

۱. **گرایش زبانی و سطح کلام:** شامل «احترام‌آمیز، توهین‌آمیز، دشنام، شاعرانه، طنز، عامیانه، غیرمؤدبانه، کودکانه، گفتگو، مجاز، مستهجن، مؤدبانه و نفرین» ۲. **حوزه کاربرد واژه:** شامل «اداری، ادبی، ادیان، اقتصاد، انتظامی، بازی، بانکداری، برق، پزشکی، تصوف، جامعه‌شناسی، جانوری، جغرافیا، چاپ و نشر، حقوق، خوش‌نویسی، دیوانی، روانشناسی، ریاضی، زبان‌شناسی، ساختمان، سیاسی، سینما، شیمی، صنایع‌دستی، علوم‌زمین، فرهنگ عوام، فقه، فلسفه، فنی، فیزیک، کامپیوتر، کشاورزی، کلام، گاه‌شماری، گیاهی، محیط زیست، مکانیک، منطق، مواد، موسیقی، موسیقی ایرانی، نجوم، نمایش و ورزش» ۳.

ریشه‌شناسی: شامل «آرامی، آلمانی، اسپانیایی، اکدی، انگلیسی، ایتالیایی، پهلوی، ترکی، چینی، روسی، سریانی، سغدی، سنسکریت، عبری، عربی، فرانسوی، لاتینی، مغرب، مغولی، هندی و یونانی» ۴. **تلفظ واژه:** در مورد واژه‌های هم‌نویسه ۵. **معانی:** در مورد واژه‌های هم‌آوا- هم‌نویسه، واژه‌هایی با کاهش معنایی، افزایش معنایی و تغییر معنایی چندگانه ۶. **واژه‌های مصوب فرهنگستان:** درج واژه بیگانه یا حوزه کاربرد آن ۷.

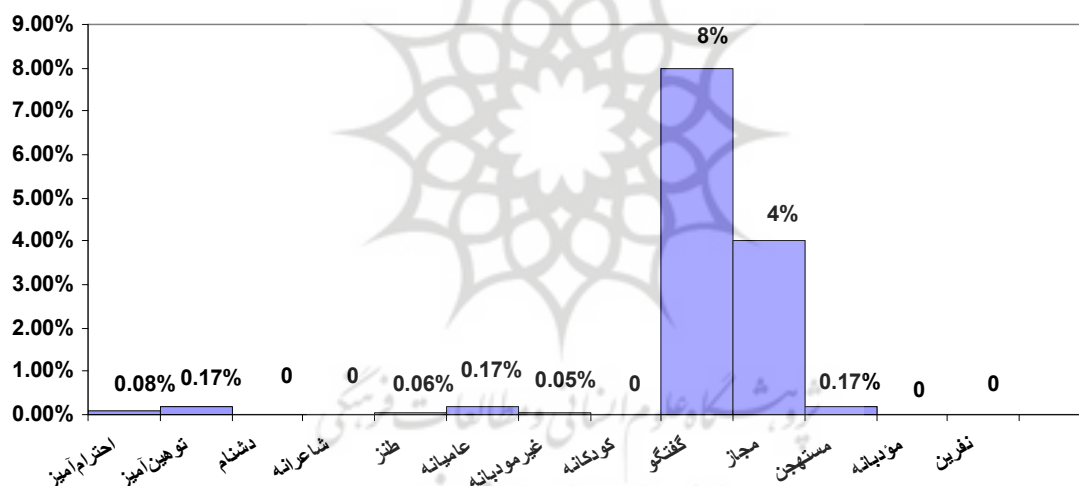
موارد بینابینی: درج مشخصه‌های عناصر شناور.

۶. نظام اختصاری: نشانه های اختصاری به کار رفته در این پژوهش / پایگاه داده ها به این شرح است: ا: افزایش معنایی، ب: بدون تغییر معنایی، ج: واژه جدید، چ: تغییر معنایی چندگانه، ح: واژه حذف شده (قدیمی / منسوخ)، د: دهخدا، س: سخن، ص: صدری، ع: واژه مصوب فرهنگستان بعد از انقلاب، قد: قدیمی، ق: واژه مصوب فرهنگستان قبل از انقلاب، ک: کاهش معنایی، م: معین، ن: واژه در دهخدا، معین و حمیم یافت نشد، +: دارد، -: ندارد.

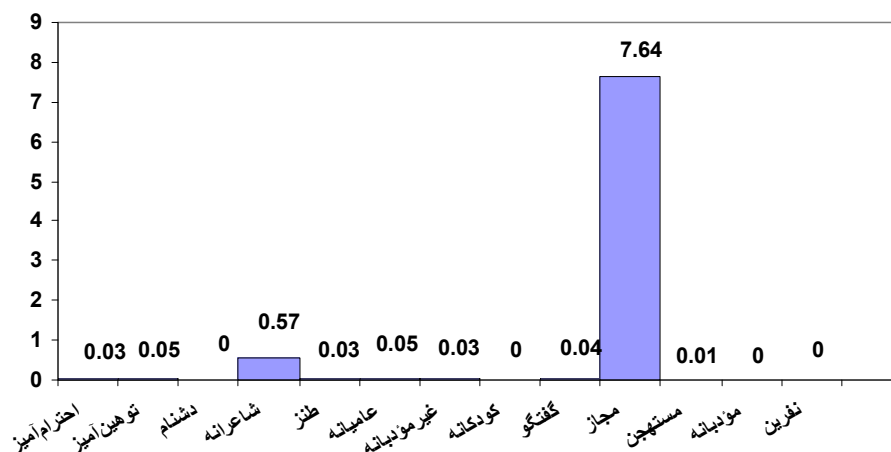
ارائه نمودارها و جدولها

متأسفانه به دلیل حجم گسترده پایگاه داده‌ها (۱۳۳۲۱ مدخل) در اینجا تنها به ارائه و تحلیل برخی جدولها و نمودارها (تنها نمودارهای ح و ج) می پردازیم و از ارائه پایگاه داده ها بازمی مانیم.

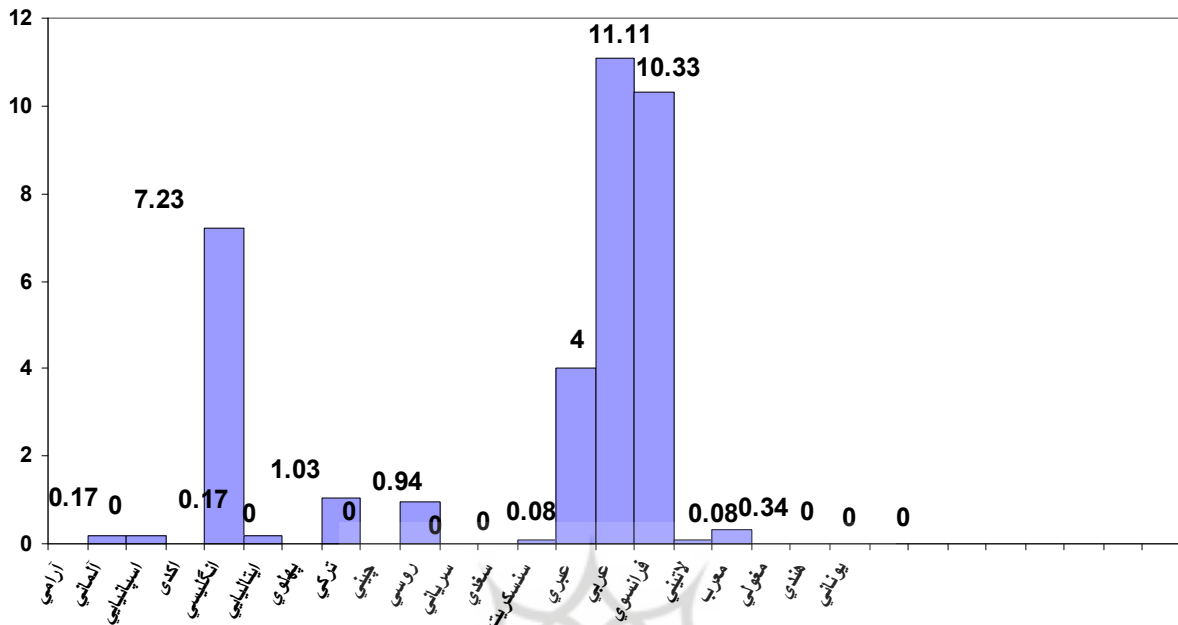
نمودار ۱. درصد فراوانی مدخلهای جدید براساس گرایش زبانی و سطح کلام



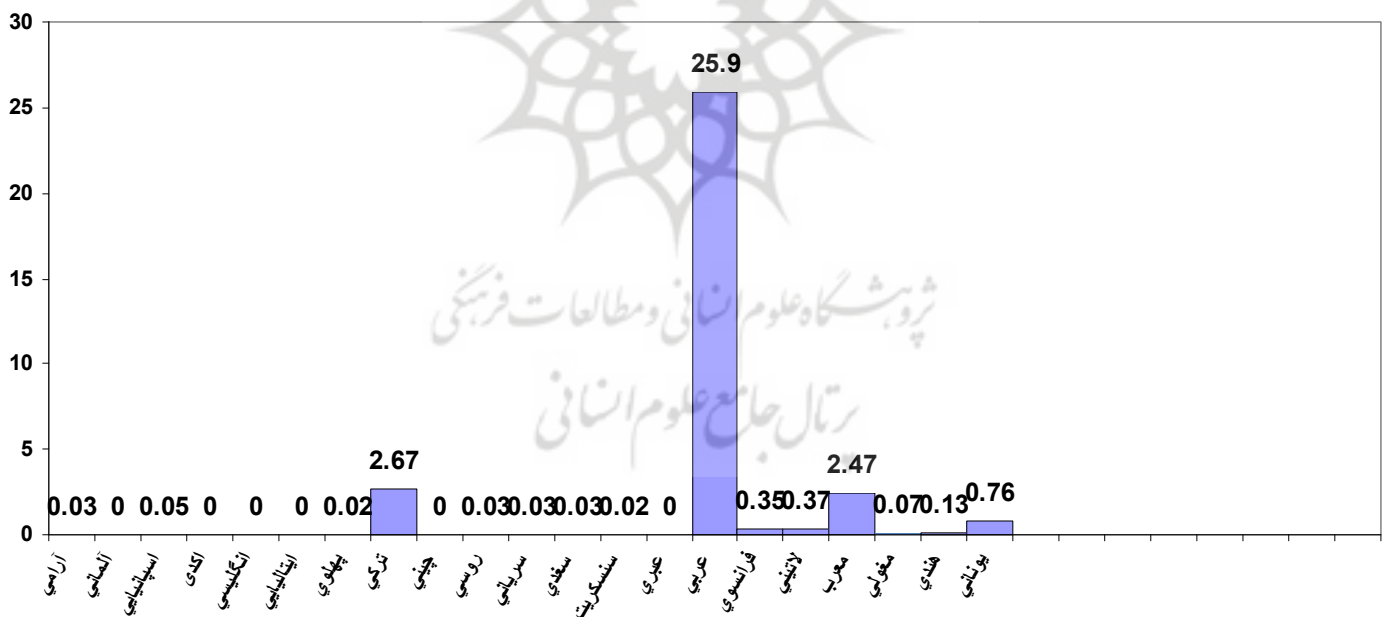
نمودار ۲. درصد فراوانی مدخلهای حذف شده بر اساس گرایش زبانی و سطح کلام



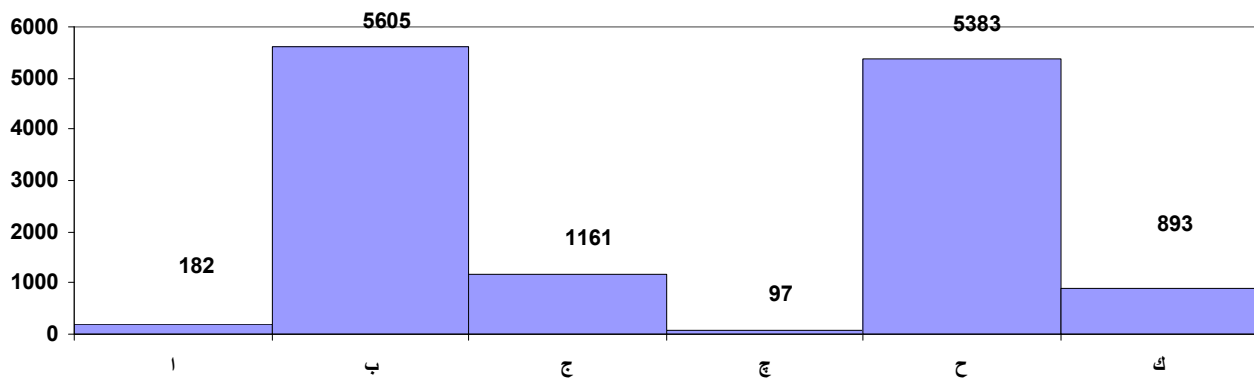
نمودار ۳. درصد فراوانی مدخلهای جدید بر اساس ریشه‌شناسی



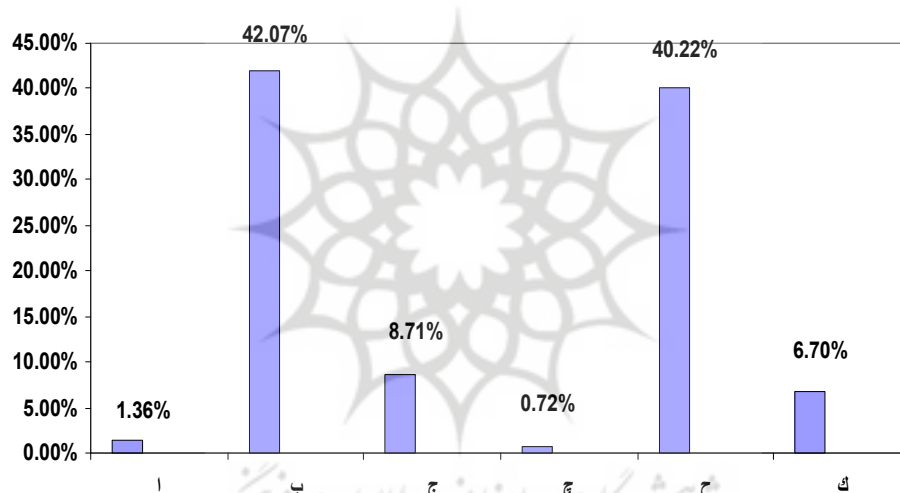
نمودار ۴. درصد فراوانی مدخلهای حذف شده بر اساس ریشه‌شناسی



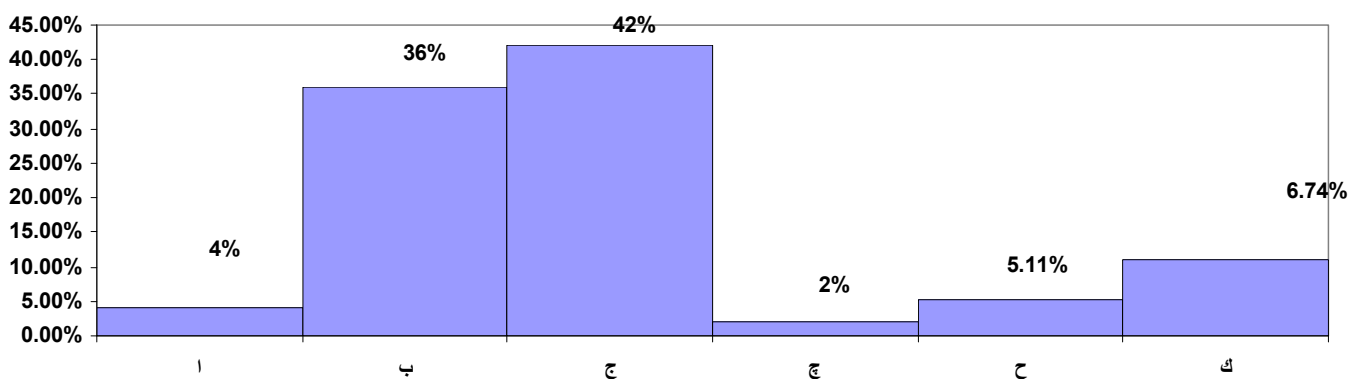
نمودار ۵. فراوانی تغییرات معنایی تمام مدخلهای مورد بررسی



نمودار ۶. درصد تغییرات معنایی تمام مدخلهای مورد بررسی



نمودار ۷. درصد تغییرات معنایی واژه های مصوب فرهنگستان



جدول ۱. درصد تغییرات معنایی مدخلها بر اساس «گرایش زبانی و سطح کلام»

ردیف	تغییرات معنایی گرایش زبانی و سطح کلام	افزایش معنایی	بدون تغییر معنایی	واژه های جدید	تغییرات معنایی چندگانه	واژه های حذف شده	کاهش معنایی
۱	احترام آمیز	۰	۷۸,۵۷	۷,۱۴	۰	۱۴,۲۸	۰
۲	توهین آمیز	۰	۸۸,۶۷	۳,۷۷	۰	۵,۶۶	۱,۸۸
۳	دشنام	۰	۱۰۰	۰	۰	۰	۰
۴	شاعرانه	۰	۱۳,۵۱	۰	۰	۸۳,۷۸	۲,۷
۵	طنز	۲,۱۷	۷۸,۲۶	۱۵,۲۱	۰	۴,۳۴	۰
۶	عامیانه	۰	۷۲,۲۲	۱۱,۱۱	۰	۱۶,۶۶	۰
۷	غیر مؤدبانه	۰	۸۰,۴۳	۱۳,۰۴	۰	۴,۲۴	۲,۱۷
۸	کودکانه	۰	۱۰۰	۰	۰	۰	۰
۹	گفتگو	۰,۷۷	۸۷,۸۸	۸,۰۴	۰,۰۸	۲,۱۶	۱,۱۷
۱۰	مجاز	۰,۷۵	۵۶,۵۴	۲,۹۶	۰,۰۸	۳۴,۷۶	۳,۹۶
۱۱	مستهجن	۰	۸۰	۱۲,۳۳	۰	۶,۶۶	۰
۱۲	مؤدبانه	۰	۱۰۰	۰	۰	۰	۰
۱۳	نفرین	۰	۱۰۰	۰	۰	۰	۰

جدول ۲. درصد تغییرات معنایی مدخلها بر اساس «ریشه شناسی»

رَدیف	تغییرات معنایی ریشه شناسی	افزایش معنایی	بدون تغییر معنایی	واژه های جدید	تغییرات معنایی چندگانه	واژه های حذف شده	کاهش معنایی
۱	آرامی	۰	50	0	0	50	0
۲	آلمانی	۰	33.33	66.66	0	0	0
۳	اکدی	۰	0	100	0	0	0
۴	اسپانیایی	۰	0	0	0	100	0
۵	انگلیسی	۳,۳۳	33.33	93.33	0	0	0
۶	ایتالیایی	۱۴,۲۸	57.14	28.57	0	0	0
۷	پهلوی	۰	21.42	0	0	78.57	0
۸	ترکی	۲,۵۸	35.79	4.32	0.36	53.13	3.69
۹	چینی	۰	100	0	0	0	0
۱۰	روسی	۳,۴۴	51.72	37.92	0	6.89	0
۱۱	سریانی	۰	50	0	0	50	0
۱۲	سغدی	۰	0	0	0	100	0
۱۳	سنسکریت	۰	36.36	4.54	0	50	9.09
۱۴	عبری	۰	100	0	0	0	0
۱۵	عربی	0.75	47.18	3.75	0.46	40.58	7.26
۱۶	فرانسوی	4.65	47.84	39.86	0	6.31	1.32
۱۷	لاتینی	3.34	26.8	4.34	0	65.21	0
۱۸	معرب	2.5	25۱۰۰	2	0.5	66.5	3.5
۱۹	مغولی	0	0	0	0	100	0
۲۰	هندی	5.88	47.05	5.88	0	41.17	0

۲۱	یونانی	1.61	27.41	0	0	69.25	1.61
----	--------	------	-------	---	---	-------	------

جدول ۳. درصد تغییرات معنایی مدخلها بر اساس «حوزه کاربرد»

ردیف	تغییرات معنایی حوزه کاربرد	افزایش معنایی	بدون تغییر معنایی	واژه های جدید	تغییرات معنایی چندگانه	واژه های حذف شده	کاهش معنایی
۱	اداری	۱۳,۰۴	۵۶,۵۲	۲۱,۷۳	۰	۰	۸,۶۹
۲	ادبی	۰	۶۰,۸۶	۲۰,۴۳	۰	۰	۸,۶۹
۳	ادیان	۰	۶۱,۲۹	۱۲,۹	۰	۲۵,۸	۰
۴	اقتصاد	۷,۴	۲۲,۲۲	۵۱,۸۵	۳,۷	۱۱,۱۱	۳,۷
۵	انتظامی	۰	۳۸,۷	۱۹,۰۳	۳,۲۲	۲۹,۰۳	۰
۶	بازی	0	63.33	13.33	0	20	3.33
۷	بانکداری	4.16	62.5	20.83	4.16	4.16	4.14
۸	برق	0	17.64	8.35	0	0	0
۹	پزشکی	2.73	32.87	34.93	0.68	23.28	5.47
۱۰	تصوف	0	8.33	0	0	91.66	0
۱۱	جامعه‌شناسی	0	0	100	0	0	0
۱۲	جانوری	0.96	24.36	38.26	0	33.44	0.96
۱۳	جغرافیا	0	75	25	0	0	0
۱۴	چاپ و نشر	0	12.5	50	12.5	25	0
۱۵	حقوق	0	65.38	0	0	11.53	23.07
۱۶	خوش نویسی	0	100	0	0	0	0
۱۷	دیوانی	0	7.01	0	0	91.22	1.75
۱۸	روانشناسی	13.79	6.89	8.31	0	0	0

۱۹	ریاضی	2.56	38.46	28.36	0	10.25	10.25
۲۰	زبان‌شناسی	0	0	100	0	0	0
۲۱	ساختمان	6.77	37.28	30.5	0	22.02	3.38
۲۲	سیاسی	0	76	24	0	0	0
۲۳	سینما	0	0	87.5	0	12.5	0
۲۴	شیمی	0	28.94	67.1	0	3.94	0
۲۵	صنایع دستی	0	42.85	42.85	0	14.28	0
۲۶	علوم زمین	0	16.43	60.27	0	19.17	3.1
۲۷	فرهنگ عوام	0	85.18	0	0	14.81	0
۲۸	فقه	0	100	0	0	0	0
۲۹	فلسفه	0	9.09	72.72	0	18.18	0
۳۰	فنی	1.02	22.44	68.38	0	6.12	2.04
۳۱	فیزیک	3.7	25.92	59.25	0	11.11	0
۳۲	کامپیوتر	11.11	0	88.88	0	0	0
۳۳	کشاورزی	0	57.13	25.71	0	14.28	2.85
۳۴	کلام	0	50	0	0	50	0
۳۵	گاه‌شماری	0	0	0	0	87.5	12.5
۳۶	گیاهی	16.41	۲۱,۸۸	۱,۴۲	۰	۵۷,۹۸	۲,۳۱
۳۷	محیط زیست	۰	21.42	71.32	7.14	0	0
۳۸	مکانیک	0	42.85	57.13	0	0	0
۳۹	منطق	0	66.66	33.33	0	0	0
۴۰	مواد	0	48	44	0	8	0
۴۱	موسیقی	0	24.13	18.96	0	53.44	3.44

۴۲	موسیقی ایرانی	0	39.28	7.13	0	46.42	7.14
۴۳	نجوم	0	45.83	0	0	50	4.16
۴۴	نمایش	0	0	50	0	50	0
۴۵	ورزش	2.04	48.97	42.85	0	6.12	0

جدول ۴. جدول ترکیبی «حوزه کاربرد» و «ریشه شناسی» برای مدخلهایی با ریشه «عربی» و «معرب»

ردیف	ریشه شناسی حوزه کاربرد	عربی	معرب
۱	اداری	۱۷,۳	۰
۲	ادبی	۶۹,۶	۰
۳	ادیان	۶۱,۳	۰
۴	اقتصاد	۱۱,۱	۰
۵	انتظامی	۶,۲۵	۰
۶	بازی	۱۳,۳	۰
۷	بانکداری	۴,۱۷	۰
۸	برق	۲۹,۴	۰
۹	پزشکی	۱۵,۱	۱,۳۷
۱۰	تصوف	۲۵	۰
۱۱	جامعه‌شناسی	۰	۰
۱۲	جانوری	۹,۳۲	۱,۶۱
۱۳	جغرافیا	۳۷,۵	۰
۱۴	چاپ و نشر	۳۷,۵	۰
۱۵	حقوق	۶,۲۵	۰
۱۶	خوش نویسی	۰	۰

۱۷	دیوانی	۱۵,۸	۱۲,۳
۱۸	روانشناسی	۲۵	۰
۱۹	ریاضی	۲۳,۱	۰
۲۰	زبان‌شناسی	۳۳,۳	۰
۲۱	ساختمان	۱,۶۹	۱,۶۹
۲۲	سیاسی	۱۲	۰
۲۳	سینما	۲۵	۰
۲۴	شیمی	۲,۶۳	۰
۲۵	صنایع دستی	۲۸,۶	۰
۲۶	علوم زمین	۱,۳۷	۴,۱۱
۲۷	فرهنگ عوام	۳۷	۰
۲۸	فقه	۵۰	۰
۲۹	فلسفه	۹,۰۹	۱۸,۲
۳۰	فنی	۸,۱۶	۰
۳۱	فیزیک	۷,۴۱	۷,۴۱
۳۲	کامپیوتر	۱۱,۱	۰
۳۳	کشاورزی	۲۸,۶	۲,۸۶
۳۴	کلام	۰	۰
۳۵	گاه‌شماری	۰	۱۲,۵
۳۶	گیاهی	۸,۸۲	۱۲,۶
۳۷	محیط زیست	۷,۱۴	۰
۳۸	مکانیک	۰	۰
۳۹	منطق	۱۰۰	۰
۴۰	مواد	۸	۰
۴۱	موسیقی	۱۴,۶	۱۲,۲

۴۲	موسیقی ایرانی	۱۷,۹	۰
۴۳	نجوم	۵۴,۲	۴,۱۷
۴۴	نمایش	۰	۰
۴۵	ورزش	۱۴,۳	۰

برخی نتایج

تحلیلهایی از نمودارها و جدولها «حوزه کاربرد» (حوزه گیاهی): از میان ۴۷۵

مدخل حوزه «گیاهی»، ۲۳۵ مدخل (۴۷/۴۹٪) یعنی تقریباً نیمی از مدخلها برگرفته از فرهنگ «معین» است. در واقع «در مورد گیاهان باید گفت که فرهنگ معین از حد اعتدال خارج شده است و به احتمال زیاد می توان حدس زد، نامهای گیاهان از روی یک فرهنگ تخصصی یک جا وارد فرهنگ معین شده است» (ملکان، ۱۳۷۹: ۳۶۸). مدخلهای گیاهی بیش از هر مدخلی تحت تأثیر پدیده حذف قرار گرفته است (جدول ۲: ۵۷/۹۸٪). مدخلهای گیاهی قرضی بیش از همه به سه گروه معرب (۱۲/۶٪)، عربی (۸/۸۲٪) و یونانی (۷/۸٪) تعلق دارد (جدول ۴). فرهنگستان در حوزه گیاهی در سه مدخل یادشده، ۱۶ واژه (۳/۳۶٪ از کل مدخلهای گیاهی) برگزیده که از میان آنها سه واژه «باقلا مصری»، خودگشن، خودگشنی «مصوب ع و ۱۳ واژه مصوب ق است. از میان این واژه ها به جز دو واژه «خامه، خرجینک» که کاهش معنایی یافته است (البته نه در معنای گیاهیشان) بقیه بدون تغییر مانده است. بنابراین می توان نتیجه گرفت که فرهنگستان قبل از انقلاب در انتخاب واژه های مصوب خود در حوزه گیاهی در سه مدخل مذکور تا حد زیادی موفق عمل کرده است.

تحلیلهایی از نمودارها و جدولهای «ریشه شناسی» (عربی): زبان فارسی بیش از

هر زبان دیگری از زبان عربی قرض گیری کرده است. «حمله گسترده اعراب به ایران، پذیرش دین اسلام توسط ایرانیان و تسلط سیاسی، ادبی و فرهنگی زبان عربی بر فرهنگ و زبان فارسی از سده پنجم هجری به بعد» (وزین پور، ۱۳۷۱: ۳۲۰) ردپای خود را در وام واژه های عربی در زبان فارسی برجای گذاشته است. البته امروزه روند قرض گیری فارسی از عربی بسرعت گذشته نیست. از تعداد ۳۴۳۷ واژه عربی و معرب در مدخلهای مذکور،

تعداد ۱۶۲۳ واژه (۴۰/۵۸٪) یعنی نزدیک به نیمی از آنها حذف شده است. تعداد واژه های قرضی جدیدالورود با ریشه عربی و معرب نیز به ۱۲۹ واژه (۳/۷۵٪) محدود شده است (جدول ۲) اما هنوز بیشترین آمار واژه های قرضی فارسی به زبان عربی متعلق است (نمودار ۳: ۱۱/۱۱٪). می توان استدلال کرد که به رغم وقوع انقلاب اسلامی و تمایل ایدئولوژیکی حاکم مبنی بر استفاده از لغات عربی / مذهبی، ورود واژگان عربی به فارسی کاهش نسبتاً چشمگیری یافته است. واژه های جدید عربی که دارای مفاهیم مرتبط با انقلاب اسلامی و ارزشهای آن است، اغلب برای اولین بار توسط رسانه های جمعی، ارگانها و یا مسئولان دولتی به کار برده شده و سپس در میان مردم رایج شده است (بدحجاب، بدحجابی، بین العامه، بین المجالسین، ثارالله). جدول ۴ نشان می دهد که واژه های عربی بیش از همه به ترتیب در دو حوزه ادبی (۶۹/۶٪) و ادیان (۶۱/۳٪) قرض گیری شده است.

تحلیلهایی از نمودار واژه های مصوب فرهنگستان: نمودار ۷ نشان می دهد که ۳۶٪ واژه های مصوب فرهنگستان در این سه مدخل (یعنی ۱۶۲ واژه) توسط مردم پذیرفته شده است. بنابراین می توان نتیجه گرفت که فرهنگستان قبل و بعد از انقلاب تا حدی در وضع واژه در این سه مدخل موفق عمل کرده است. تنها ۲۳ واژه (۵/۱۱٪) از واژه های مصوب فرهنگستان ق توسط مردم پذیرفته نشده که از این تعداد چهار واژه «بناخواست، بوزک (مخمر)، بوزک (کیک)، خسته خانه» به حوزه عمومی و ۱۹ واژه دیگر به حوزه های تخصصی متعلق است. درصد زیاد واژه های جدید مصوب فرهنگستان ع نشان می دهد که این فرهنگستان در سالهای اخیر در حوزه واژه گزینی فعال عمل کرده اما متأسفانه از تعداد ۱۸۵ مدخل جدید تنها ۷۱ مدخل به فرهنگهای «سخن و صدری» راه یافته است؛ یعنی ۵۶/۲۲٪ از واژه های مصوب فرهنگستان ع هرگز به فرهنگهای معاصر فارسی راه نیافته و در نتیجه کاربرد عام نیافته است.

واژه های تابو: «در هر زبان واژه ها و اصطلاحاتی هست که صورت یا مفهومی ناخوشایند، نامطلوب و یا غیرمؤدبانه دارد و به همین دلیل اعضای جامعه زبانی از کاربرد صریح و مستقیم آنها پرهیز می کنند. این قبیل صورتهای تابوهای زبانی نامیده می شود» (مدرسی، ۱۳۶۸: ۳۳). «این عامل به تعبیر میه یکی از عوامل مهم تغییر معنایی است» (لمان، ۱۹۹۳: ۲۶۰). «نام اعضای تناسلی، ذکر مدفوعات بدن، عمل دفع و محل آنها موافق ادب

نیست اما هر کنایه ای پس از انتشار و رواج صراحت می یابد؛ پس هر چندگاه باید تغییر کند» (خانلری، ۱۳۷۴: ۱۰۲). «اعتقادات دینی یا اوهام و خرافات هم باعث تغییر حرمت الفاظ می شود» (معدنی، ۱۳۷۸: ۶۶). برخی دشواژه های یافت شده در مدخلهای مورد بررسی به این شرح است: براز، پیخال (فرهنگستان ق): مدفوع؛ بزرگ پا: زن سلیطه؛ بلائگی: روسپی گری؛ بولدان، گمیزدان، قصریه: ظرف ادرار، بولگاه، بیت الخلاء، بیت الفراغ: مستراح؛ بی ادبی (ا)، بی تربیتی (ا): آلت جنسی زن یا مرد؛ بیت اللطف، خانه بد، خیرخانه، دلال خانه، روسپی خانه: فاحشه خانه؛ خاله (ا): زنان با آرایش غلیظ و سن بیش از ۳۰ سال؛ خلا پاک کن (س: منسوخ)، کناس: مستراح پاک کن. واژگانی که به توصیف زیبایی اندامهای بدن (بویژه اعضای بدن زنان) اختصاص داشته در پی تابوهای دینی و مذهبی رو به حذف گذارده است؛ همچون: باریک بدن، باریک ران، باریک میان، بلورین اندام، بلورین تن، بلورین ساق، بلورین سرین. مدخلهای مرتبط با مدخل «خوک» به دلیل تابوی مذهبی و ارزشگذاری منفی بر هر آنچه به نحوی با این حیوان مرتبط بوده در مرز حذف شدن قرار دارد. مدخلهای مرتبط با معنای «شراب» به دلیل اعتقادات دینی و حرمتهای مذهبی رو به حذف گزارده است؛ برای مثال: باطیه: (ک) ظرف بزرگ که معمولاً در آن شراب می ریزند؛ بلبله: (ک) ۱. صدا و آواز صراحی هنگام ریختن می ۲. کوزه شراب؛ بلخ (ح) کدویی که در آن شراب کنند. خام: (ک) شراب جوشانده نشده، خاموشانه: (ک) شراب قوی که از فرط گیرایی خاموشی آورد، خسروانی: (ک) نوعی شراب اصفهانی، خلار: ب (ص-) شراب شیراز، خلم: (ح) شراب شیراز، خمار: (ح) شراب فروش، خمر: (چ) (تغییر حوزه کاربرد: عمومی ← فقه) ۱. شراب ۲. شراب نوشیدن، خندیقون: (ح) شراب با ادویه.

تمایل برخی مدخلها به واژه سازی: به دلیل اوضاع نوین حاکم بر جامعه برخی مدخلها فعال شده و بسامد نسبتاً زیادی یافته است:

افزایش معنا (مفاهیم انقلابی): باحجاب، بت (مجاز)، بدنه (سیاسی)، برادر، برانداز، براندازی، برچسب (مجاز)، بررس، بررسی (عمل بررس)، بمباران (مجاز)، بنیاد، بی حجاب، بی بی سی (جاسوس)، خواهر، خیزش (انقلاب)، خون دادن (مجاز).

واژه جدید: (مدخل برق) باربرق، برق گذاشتن، برقبایی، برق بردی، برق بند، برق دار کردن، برق درمانی، برق دزدی کردن، برقرانی، برق راهه، برقرسان، برقرسانی، برق سنج، برق شناخت، برق شیمی، برق شیمیایی، برق کاف، برق کافت، برق کافتی، برق کافه، برق گر، برق ماهی. **(مدخل خبر)** خبرپراکنی، خبرخوان، خبررسانی، خبرسازی، خبرسازی کردن، خبرنامه. **(مدخل خشونت)** خشونت طلب، خشونت گرا، خشونت گرایانه، خشونت گرایی، خشونت ورزی. **(مدخل خود)** خودآزار، خودآزایی، خودآزمایی، خودآگاه، خودآگاهی، خوداتکایی، خودارزیایی، خوداشتغالی، خوداکسایش، خودالقها، خودالقایی، خودانگاره، خودانگیختگی، خودانگیخته، خودبارورسازی، خودباروری، خودباوری، خودبرانگیختگی، خودبرترین، خودبرترینی، خودبری، خودبزرگ بین، خودبزرگ بینی، خودبسا، خودبسایی، خودبسندگی، خودبسندگی، خودبیمارانگاری، خودپایا، خودپایی، خودپرداخت، خودپرداز، خودپژوهی، خودپنداری، خودتخریبی، خودتنبیهی، خودتنظیم، خودجوش، خودجوشی، خودخوانده، خوددرمانی، خوددوستی، خودروب، خودروبر، خودروساز، خودروسازی، خودروسفری، خودروشویی، خودزن، خودزنان، خودزندگی نامه، خودزنی، خودزیست نامه، خودسامان، خودسانسور، خودسانسوری، خودسترونی، خودسرپرست، خودسوزی، خودسوزی کردن، خودشیفتگی، خودشیفته، خودفرمان، خودفروخته، خودفریفتگی، خودفریفته، خودکارساز، خودکافت، خودکافتی، خودکاو، خودکاو، خودکشند، خودکفا، خودکفا بودن، خودکفا شدن، خودکفا کردن، خودکفایی، به خود کفایی رسیدن، خودکم بین، خودکم بینی، خودکنترل، خودگانی، خودگردان، خودگردانی، خودگرده افشانی، خودگزینی، خودگشن، خودگشنی، خودالقاح، خودمحور، خودمحوارانه، خودمداری، خودمصرفی، خودمیرا، خودنگاره، خودنوشت، خودیایی، خودیاری، خودیافت.

نتیجه

نگارنده در این پژوهش تلاش کرده است پنجره ای هرچند کوچک بر تغییرات در زمانی برخی مدخلهای فارسی در چند فرهنگ فارسی بگشاید. پس از بررسی ۱۳۳۲۱ مدخل و مقایسه تطبیقی آنها برخی نتایج به این شرح است: ۴۲/۰۷٪ واژه های فارسی در این مدخلها

بدون تغییر معنایی مانده است. از میان تغییرات معنایی انجام شده، تمایل واژگان به حذف و منسوخ شدن (۴۰/۲۲٪) بیش از همه بوده است. واژه های جدید ۸/۷۱٪، واژه های کاهش معنا یافته ۶/۷٪، واژه های افزایش معنا یافته ۱/۳۶٪ و واژه های دچار تغییر معنایی چندگانه ۰/۷۲٪ از کل واژه ها را تشکیل می داد (نمودار ۶). از دیدگاه «حوزه کاربرد» بیشترین واژه های جدید در سه حوزه «جانوری، فنی و پزشکی» ساخته شده و واژه های حذف شده بیش از همه به سه حوزه «گیاهی، جانوری و دیوانی» تعلق داشته است. از منظر «گرایش زبانی و سطح کلام» بیشترین واژه های جدید در سه حوزه «گفتگو، مجاز و طنز» ساخته شده است (نمودار ۱) و واژه های حذف شده بیش از همه به سه حوزه «مجاز، شاعرانه و گفتگو» تعلق داشته است (نمودار ۲). از دیدگاه «ریشه شناسی» بیشترین واژه های جدید از سه زبان «عربی، فرانسوی و انگلیسی» قرض گیری شده (نمودار ۳) و واژه های قرضی حذف شده بیش از همه به سه گروه «عربی، ترکی و معرب» تعلق داشته است (نمودار ۴).

یافته های این پژوهش از بعد نظری و کاربردی نتایجی به دنبال دارد: از بعد نظری، یکی از نتایج این پژوهش این است که یافته های آن مؤید «نظریه پویایی زبان» است که به زبان نه به عنوان موضوعی ساکن و ایستا می نگرد بلکه به عنوان حرکتی پویا، متغیر و دگرگون شونده و «معنی شناسی پیش الگویی» که آبخور فلسفی آن آرای ویتگنشتاین است. این بررسی از بعد کاربردی نیز نتایجی دارد: پایگاه داده ها می تواند منبع مستندی برای پژوهش های زبانی به شمار آید. امکان ارائه هرگونه فهرست واژگانی، آماری و بسامدی و نیز امکان دستیابی به هرگونه نمودار یا جدول ترکیبی (همچون جدول ۴) می تواند این پایگاه را به یک بانک اطلاعاتی مفید در زمینه تغییرات معنایی واژه ها در سطح فرهنگ نامه ای بدل کند. هم چنین داده های این پایگاه می تواند در زمینه فرهنگ نگاری، تعیین نوع واژه هایی که توسط یک فرهنگ باید پوشش داده شود، تدوین فرهنگهای در زمانی/ تاریخی، تدوین فرهنگهای ریشه شناسی، تدوین فرهنگ تاریخی واژگان قرضی/ بومی مفید واقع شود. این پایگاه در زمینه مقایسه توصیفی - تطبیقی میان فرهنگهای زبان فارسی و نیز مطالعات معنی شناسی تاریخی نیز می تواند سودمند واقع شود. همچنین در زمینه واژه گزینی توسط فرهنگستان می تواند به عنوان منبعی برای ارائه الگوهای واژه سازی مورد

استفاده قرار گیرد. از جمله می‌توان از واژگان منسوخ/قدیمی/گوشی آن، که امروزه تداول ندارد اما در گذشته زبان فارسی موجود بوده است، واژگان امضایی (احیا شده) استخراج کرد. این پایگاه می‌تواند برای کمک به تصمیم‌گیری مسئولان فرهنگی جامعه در زمینه سیاستگذاریهای زبانی در فرهنگستان و گروه‌های واژه‌گزین، صداوسیما، مطبوعات و آسیب‌شناسی فرهنگی قشر جوان جامعه از طریق بررسی واژگان ابداعی توسط آنان مفید واقع شود. از ویژگیهای مهم این پایگاه این است که پایگاهی به اصطلاح «پویا/دینامیک» است؛ بدین معنا که همواره امکان روز آمد شدن آن وجود دارد و در صورت درج حتی یک مدخل جدید در آن، تمام آمارها، جد ولها و نمودارها روز آیند می‌شود. تمام آثاری که تاکنون در باب تغییرات معنایی واژگان زبان فارسی تألیف شده، این تغییرات را تا زمان تألیف اثر بررسی کرده است؛ اما این اثر به دلیل پویایی پایگاه داده‌ها می‌تواند انعکاس دهنده تمام تغییرات معنایی آینده واژگان زبان فارسی هم باشد. شاید ویژگی دینامیک این پایگاه و امکان استفاده از شواهد و مدخلهای موجود در پایگاه عظیم داده‌های زبان فارسی (عاصی، طرح پژوهشی) این بلندپروازی را فراهم سازد که در آینده بتوان تغییرات در زمانی مدخلهای تمام فرهنگهای زبان فارسی را در این پایگاه داده‌ها وارد کرد تا پاسخگوی نیاز کاربران گوناگون در همه زمینه‌های نظری و کاربردی باشد.

فهرست منابع

منابع فارسی

- ۱- آراتو، آنتونی. (۱۳۷۳). **درآمدی بر زبان شناسی تاریخی**. ترجمه یحیی مدرس. تهران: پژوهش گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۲- اسلامی، افروز. (۱۳۷۵). **بررسی تغییرات نحوی و واژگانی فارسی معاصر**. پایان نامه کارشناسی ارشد. گروه زبان شناسی همگانی. دانشگاه تربیت مدرس (چاپ نشده).
- ۳- افشار وثوقی، گلناز و مژگان عبداللهی. (بی تا). **گزیده ای از واژه های فراموش شده لغت نامه دهخدا**. تهران: نشر داخلی فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- ۴- انوری، حسن. (۱۳۸۲). **فرهنگ بزرگ سخن**. تهران: انتشارات سخن.
- ۵- بختیاری، آرمان. (۱۳۸۳). «درآمدی بر معنی شناسی تاریخی زبان فارسی». ابراهیم کاظمی. **مجموعه مقاله های ششمین کنفرانس زبان شناسی**. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی. ۶۹-۷۲.
- ۶- پرهیزگار، محمدرضا. (۱۳۸۳). «معنی شناسی پیش الگویی؛ نگرش و آزمایش». **مجله علوم اختصاصی اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز**. دوره بیست و یکم. شماره اول. پایانی. ۴: ۲۱-۱۲.
- ۷- جم، بشیر. (۱۳۷۹). **بررسی عوامل مهجورشدگی واژگان در مطبوعات فارسی زبان**. پایان نامه کارشناسی ارشد. گروه زبان شناسی همگانی. دانشگاه علامه طباطبایی (چاپ نشده).
- ۸- جم، بشیر. (۱۳۸۲). «بررسی عوامل درون زبانی مهجورشدگی واژها (مطبوعات)». **مجله زبان شناسی**. سال هیجدهم. شماره دوم. پایانی ۳۶: ۹۳-۷۹.
- ۹- حیم، س.، (۱۳۵۴). **فرهنگ فارسی - انگلیسی حیم**. تهران: انتشارات بروخیم.
- ۱۰- خانلری، پرویز. (۱۳۴۷). **زبان شناسی و زبان فارسی**. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- ۱۱- دوکوهکی، شهرام. (۱۳۷۹). «واژگان بیگانه در متون مطبوعاتی». سید علی میرعمادی. **مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس زبان شناسی نظری و کاربردی**. ج اول. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی. ۲۳۰-۲۲۱.

- ۱۲- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۳۴). لغت نامه دهخدا. تهران: مؤسسه لغت نامه.
- ۱۳- ذوالنور، افسانه. (۱۳۷۳). تأثیر تحولات اجتماعی ناشی از انقلاب اسلامی بر دگرگونی های حوزه های معنایی در زبان فارسی. پایان نامه کارشناسی ارشد. گروه زبان شناسی همگانی. دانشگاه علامه طباطبایی (چاپ نشده).
- ۱۴- روستایی، محسن. (۱۳۷۸). «پیشینه ای از نخستین فرهنگستان ایرانی و واژه های گمشده». شیرین عزیزی مقدم. مجموعه مقالات نخستین هم اندیشی مسائل واژه گزینی و اصطلاح شناسی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۸۸-۱۵۱.
- ۱۵- سمایی، مهدی، (۱۳۸۲)، فرهنگ و لغات زبان مخفی، تهران، نشر مرکز.
- ۱۶- شرفی، اعظم، (۱۳۷۹)، بررسی جایگاه برخی از معادل های پیشنهادی فرهنگستان زبان و ادب فارسی در بین مردم، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه زبان شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبایی (چاپ نشده).
- ۱۷- صدری افشار، غلامحسین و دیگران. (۱۳۸۲). فرهنگ معاصر فارسی امروز. تهران: فرهنگ معاصر.
- ۱۸- صفوی، کوروش. (۱۳۷۹). درآمدی بر معنی شناسی. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۱۹- صفوی، کوروش. (۱۳۸۳). «نگاهی به نظریه حوزه های معنایی از نظر نظام واژگانی زبان فارسی». مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز. دوره بیست و یکم. شماره اول. پایب ۴۰: ۱۱-۲.
- ۲۰- عاصی، مصطفی. (در حال انجام). پایگاه داده های زبان فارسی. مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران. تهران: (چاپ نشده).
- ۲۱- فارسی، جلال الدین. (۱۳۷۴). فرهنگ واژه های انقلاب اسلامی. تهران: بنیاد فرهنگی امام رضا.
- ۲۲- کدخداییان، میترا. (۱۳۷۶). تأثیر انقلاب مشروطه بر زبان فارسی. پایان نامه کارشناسی ارشد. گروه زبان شناسی همگانی. دانشگاه فردوسی مشهد: (چاپ نشده).

۲۳- کشاورز، حسین. (۱۳۷۱). «رابطه متقابل زبان و جامعه. مروری بر نقش اجتماعی ضمائر شخصی و صورت های خطاب». *مجله زبان شناسی*. سال نهم. شماره دوم. پیاپی ۱۸: ۴۰-۵۰.

۲۴- کیانوش، حسن. (۱۳۸۱). *واژه های برابر فرهنگستان ایران*. تهران: انتشارات سروش.

۲۵- گروه واژه گزینی. (۱۳۸۳). *فرهنگ واژه های مصوب فرهنگستان (۱۳۷۶ تا ۱۳۸۲)*. تهران: گروه نشر آثار.

۲۶- محمود زاده، کامبیز. (۱۳۸۳). «تغییرات اجتماعی و تأثیر آن ها بر زبان و ترجمه». *فصلنامه زبان و ادب. مجله دانشکده ادبیات فارسی و زبان های خارجی دانشگاه علامه طباطبایی*. سال هفتم. شماره ۲۲: ۲۳-۱.

۲۷- مدرسی، یحیی. (۱۳۶۸). *درآمدی بر جامعه شناسی زبان*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

۲۸- معتمد علیخانی، ناصر. (۱۳۷۹). *تأثیر هشت ساله جنگ تحمیلی بر واژگان فارسی*. پایان نامه کارشناسی ارشد. گروه زبان شناسی. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد تهران مرکزی (چاپ نشده).

۲۹- معدنی، میترا. (۱۳۷۸). «مروری اجمالی بر تابوی زبانی و انواع آن». *مجله زبان شناسی*. سال چهاردهم. شماره اول و دوم. پیاپی ۲۷، ۲۸: ۶۵-۷۲.

۳۰- معین، محمد. (۱۳۴۵). *فرهنگ فارسی معین*. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

۳۱- ملکان، مجید. (۱۳۷۹). «طرحی برای ضبط لغت های علمی و فنی در فرهنگ یک زبانه فارسی». *سید علی میرعمادی. مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس زبان شناسی - نظری و کاربردی*. جلد اول. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی. ۳۵۳-۳۸۸.

۳۲- وزین پور، نادر. (۱۳۷۱). *بر سمند سخن*. تهران: انتشارات فروغی.

منابع انگلیسی

-Keshavarz, M.H. (1378), "Sociopolitical Change as a Cause of Language Change", *Issues in Applied Linguistics*, Tehran: Rahnama Publications, 127-143.

- Green, J., (1984), *The Dictionary of Contemporary Slang*, London: Pan Books Ltd.

- Lemann, W., P., (1993), **Historical Linguistics: An Introduction**, New York: Holt, Rinehart & Winston, Inc.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی